



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۱/۱۱/۱۳

محمد صالح گردش

## کششی که عشق دارد نگذاردت بدین سان به جنازه گر نیایی به مزار خواهی آمد



عشق، کشش، گرایش و گرانش، عجب کار هایی راه می اندازد و شگفت آفریده هایی را خالق می گردد. "طاهره قره العین" با زرین تاج مشهورترین شاعره زبان پارسی تا زمانه خودش، یکی از عاشق ترین هایبست که عشق و کشش، خدای آفرینش سروده هایی از او گردید که تا چشمه ساران ادب و شعر در بستر زمان جاریست، چکیده های لفظ لفظ احساسش همچون گوهر و یاقوت در بستر جویبار ادب زینت بخشی و چشمگیری خواهند داشت. با آنکه سروده های طاهره از خصم و دستبرد زمان کم ماند و اندک، اما دُر ماند و ناب.

او که بی هراس و عاشقانه به افکار و اندیشه های "سید محمدعلی باب" دل بست، در راه اعتلا و پخش اندیشه های مکتب باب به مزایای دنیایی نیز پشت پا زد. او که صاحب جمال بی همتا و شهبانوی فرهیخته و شاعره شهرة زمانش بود، غرض رسیدن به هدف و آرمان های داشته اش، حتا به درخواست ازدواج "ناصرالدین شاه قاجار"، شاه باصلايت زمانش لبیک نگفت و پشت کرد. کشش و جاذبه اش تا آنجا که بلاخره در پای اعتقاد و وفا به باورهایش از جاننش نیز گذشت و مرگ را دانسته و عاشقانه استقبال و پذیرایی نمود.

یکی از اشعار او سروده زیر است که از واژه واژه و مصراع مصراع اش شدت کشش به وصال نمایان است. روایت است که طاهره تا زمانی که "سید محمد علی باب" در قید حیات بود به دیدارش موفق نگردید، زیرا باب بعد از آشکار سازی دعوت و پیامش به مردم، قلعه به قلعه و کوه به کوه و دشت به دشت به حکم سلطان قاجاری ایران در تبعید بود، و طاهره با کاروان کوچکی از یاران هم اندیش و با وفایش برای تلاش دیدار و خیر گیری حال و احوال مرشد و پیر و پیشوایش، شهر به شهر، کوه به کوه و روستا به روستا او را پی می کرد. پس محتمل است که این سروده به مناسبت تلاش به دیدار معشوق و رهبر معنوی اش سروده شده باشد.

عصبيت و عکس العمل های عقیدتی نسبت به طاهره سبب شد که بسیاری از نوشته ها و سروده هایش مفقود و نابود شوند و بر علاوه، اندک سروده هایی که از او در سینه های یاران و هم کیشان نیز حفظ و محفوظ بود، تا زمان جمع آوری مسؤولانه، نوشته های بیشتر دستخوش تغییر و دست کاری های چه از روی عمد و چه سهو گردیده بودند، اما قرار اطلاع مؤتقی که دارم و در جایی خوانده بودم، یک خانم ادیب و نویسنده غربی در اوایل قرن گذشته میلادی به ایران سفر نمود و در مورد زندگی طاهره و اعتقادات ائین بابیه تحقیقاتی انجام داد. وی در آن سفر تعدادی از نزدیکان و اقارب طاهره را که در قید حیات و او را دیده بودند نیز ملاقات نمود. او در همان سفر تعدادی از سروده ها و اشعار طاهره را نیز جمع آوری نموده و در برگشت و توقف خود در پاکستان یک کاپی از سروده های او را به علامه اقبال لاهوری اهدا کرد. علامه اقبال به آن خانم فرهیخته وعده سپرد که اشعار طاهره را در یکی از مجموعه های شعری اش به نشر خواهد سپرد. چنانکه اقبال بعداً چند سروده طاهره را در مجموعه شعری اش تحت عنوان "جاویدنامه" جاسازی و منتشر ساخت. به نظر من این سروده طاهره در دیوان اقبال نسبت به منابع دیگر با اعتمادتر خواهد بود و اگر این سروده را در منابع دیگر به مقایسه و انطباق یکدیگر قرار دهیم دو بیت یکسان را پیدا نخواهیم کرد و به وضاحت شاهد دستبرد و دست کاری ها نسبت به سروده های طاهره می شویم.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکی په خیر و لولی

گر به تو افتدم نظر چهره به چهره رو به رو  
شرح دهم غم تو را نکته به نکته مو به مو  
از پی دیدن رخت همچو صبا فتاده‌ام  
خانه به خانه در به در، کوچه به کوچه کو به کو  
می‌رود از فراق تو خون دل از دو دیده‌ام  
دجله به دجله یم به یم، چشمه به چشمه جو به جو  
مهر تو را دل حزین بافته بر قماش جان  
رشته به رشته نخ به نخ، تار به تار پو به پو  
در دل خویش طاهره، گشت و ندید جز تو را  
صفحه به صفحه لا به لا پرده به پرده تو به تو

ازین شعر زیبا آهنگ زیبایی نیز تهیه شده است که برای اولین بار آنرا به آواز زیبای استاد آرمان شنفته ام. همچنان گلوکاران دیگری چون فرشته سما و شرافت پروانی و دیگران نیز آنرا تا امروز ادا و اجرا نموده اند ولی از داوری سمع و احساس من، از همه بهتر آنرا محبوب الله محبوب اجرا کرده است.